

محقق نجفی هم هر چند ادعای اجماع صریحاً در مسأله ندارد اما آن را ضمناً القا می‌کند. توجه کنید:

«لا یصلح لهذا المنصب الفاسق الامامی فضلا عن غیره؛ لما هو المعلوم من النص و الفتوی من قصوره عن مرتبة الولاية على یتیم و نحوه، فضلا عن هذا المنصب الجلیل. و لا یخفی علیک انه یدخل فی ضمن العدالة - التي قد تقدم البحث فیها [عنها] فی کتاب الصلاة - اشتراط الامانة و المحافظة على الواجبات؛ ضرورة عدمها فی غیر الامین و تارك الواجب، كما هو واضح»<sup>1</sup>.

متن فوق که آمیختی از کلام محقق حلی و نجفی است؛ در آغاز به مانعیت فسق اشاره می‌کند و در انجام به اشتراط عدالت<sup>2</sup> چنان که با ارجاعی که به کتاب صلوات داده می‌شود و تعبیر به «اشتراط امانت و محافظت بر واجبات»، جنس عدالت مورد بحث (وحدت ماهوی عدالت در بحث نماز و قضا) هم معلوم می‌گردد. از تعبیر «المعلوم من النص و الفتوی» می‌توان اجماع را برداشت کرد.

محقق عاملی در تعلیق و توضیح کلام ماتن که فرموده است: «محافظة على فعل الواجبات امینا» می‌فرماید:

«ربما اندرج هذان تحت العدالة كما نصّ عليه فی «المختصر النافع» لأن غیر المحافظ و الامین فاسق و إن أراد المحافظة على أداء الفرائض فی أول وقتها و ما كان لیریده فکذلک لأن من اعتاد تأخیر الفرائض إلى آخر الوقت فاسق أيضا و إن أراد بهما الزيادة على ما یعتبر فی العدالة فلا بدّ له من دلیل. و زاد فی «النهاية و السرائر» و غیرهما: أن یكون زاهداً فی الدنيا، متوقراً على الاعمال الصالحة، شدید الحذر من الهوى، حریصاً على التقوى»<sup>3</sup>.

قابل ذکر این که ماتن محترم شرط محافظاً ... را جدا از شرط عدالت قرار داده است. عبارت قواعد (با تلخیص) این است: «یشترط فیهِ العدالة فلا ینفذ قضاء الفاسق و یجب ان یكون محافظاً على فعل الواجبات امیناً»<sup>4</sup>.

از متون فوق موقعیت قوی فقهی شرط عدالت در قاضی به دست می‌آید. از بخشی از کلام مفتاح الكرامة، التزام برخی فقیهان به اعتبار امری فراتر از عدالت در قاضی، نیز استفاده می‌شود [!؟]

1. جواهر الکلام، ج 40، ص 13.

2. منظور فقها هم اشتراط عدالت - به عنوان ایجاب - است.

3. مفتاح الكرامة، ج 25، ص 26.

4. قواعد الاحکام، ج 3، ص 421.

مسلم‌انگاشتن شرطیت عدالت حتی از فقیهانی به منصبه ظهور رسیده است که کمتر از مشهورات و حتی گاه از اجماعات متأثر می‌شوند و رأی خود را بر آن پایه می‌بندند.<sup>5</sup> واضح است که با توجه به حاکمیت و مرجعیت ادله‌ای که در ادامه می‌آید، پی‌گیری موقعیت فقهی، بیش از این ضرور نیست.

موقعیت شرعی اندیشه اعتبار (بر اساس گزارش از رفتار فقها در این ارتباط)

## 1. از قرآن

صاحبان اندیشه اعتبار از قرآن به ادله‌ای تمسک کرده‌اند (یا ممکن است تمسک کنند): آیاتی از قبیل:

أ) \*وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ\* (هود: 113). وجه تمسک این است:

«ان الركون الیه فی حکمه ركون الی الظالم و هو منہی عنه»<sup>6</sup> و هر فاسقی به دلیل ارتکاب معصیت - حداقل در حق خودش - ظالم است.

ب) \*لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ\* (سوره بقره: 124).

ج) \*وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا\* (کهف: 28).

## 2. از روایات

أ) در مقبوله عمر بن حنظله عادل بودن مفروض گرفته شده و «اعدل» بودن به عنوان سنجه ترجیح بیان شده است.

ب) این وضعیت بر برخی روایات دیگر نیز حاکم است.<sup>7</sup>

ج) روایاتی که قضا را منصبی الهی و خاص نبی یا وصی نبی می‌داند. منها ما قال الامام علی - علیه السلام - لشریح: «قد جلست مجلسا لا یجلسه الا نبی او وصی نبی او شقی».<sup>8</sup>

د) روایت ابو خدیجه که قبلا گذشت: «ایاکم اذا وقعت بینکم خصومة ... ان تحاکموا الی احد من هؤلاء الفساق»؛ بنابر این که ذکر وصف مشعر به علیت است.

ه) به برخی روایات دیگر نیز تمسک شده است.<sup>9</sup>

5. ر.ک: مجمع الفائدة و البرهان، ج 12، ص 6.

6. مبانی تکملة المنهاج، ج 1، ص 11.

7. الوسائل، ج 27، ابواب صفات القاضی، باب 9، ص 123، ح 45.

8. همان، باب 3، ص 17، ح 2.

9. ر.ک: فقه القضاء، ج 1، ص 56.